

تشکل

نشریه مستقل کارگری

۲۲

اردیبهشت ۱۳۸۲

شماره

گزارشی از کارخانه ما

شرکت ما در سال ۱۳۶۴ به نام سازنده تابلوهای فشار قوی و ضعیف با ۵ نفر کارگر (جوشکار ۲ نفر، برقکار ۲ نفر و مونتاژکاری یک نفر) کار خود را شروع کرد.

ساعت کار از ۷ صبح الی ۵ بعد از ظهر و پنجشنبه ها تعطیل است. یک ربع وقت صبحانه، ۵ دقیقه وقت ناهار و یک ربع وقت چای بعد از ظهر داریم.

کم کم در اثر ارائه خدمات بعد از فروش از قبیل کابل فشار قوی و نصب و راه اندازی تابلوها در پروژه های مختلف شرکت رونق چشم گیری گرفت. اما این رونق در حقوق و مزایای پرسنل در آن سالها با توجه به تورم موجود چندان قابل ملاحظه نبود. فقط همان مقدار مبلغی که قانون کار در آخر هر سال از طریق مطبوعات اعلام میکرد، به پایه حقوق پرسنل اضافه میگردد.

امروز ۱۰ نفر پرسنل در این شرکت مشغول بکار میباشند.

بقیه در صفحه ۴

نادر شکبیا

بدبخت ملتی که احتیاج به قهرمان داشته باشد، بدبخت تر ملتی که قهرمانش بوش باشد.

جنگ اخیر که معروف به جنگ امریکا و عراق شد و منجر به اشغال نظامی عراق توسط ارتش امریکا، در واقع جنگ امریکا و عراق نبود، به این اسم معروف شد یا به این اسم معروفش کردند. این جنگ، جنگ دو جناح سرمایه بر سر حفظ و تداوم سلطه بر عراق و مالکیت بر چاهها و مخازن نفت عراق از یک سو و اعمال سلطه و مالکیت جدید از سوی دیگر بود، بیهوده نیست که هنوز خون زنان و کودکان عراقی، روی سنگ فرش خیابانها خشک نشده، نمایندگان تراست ها و کارتل های نفت برای بازسازی عراق (بازسازی تمام تأسیساتی که خودشان تخریب کرده اند) مسئله فروش چاههای نفت را با عنوان خصوصی سازی در بین مردم جا می اندازند. نمایندگان کارتل ها و تراست ها، گستاخانه اینچنین استدلال می کنند، که برای بازسازی تأسیسات تخریب شده (آب و برق و بیمارستان و.....) به بیش از ۷۰۰ میلیارد دلار نیاز هست که این مبلغ فقط می تواند از محل فروش چاههای نفت به بخش خصوصی تأمین شود. اینان به امتیاز بهره برداری هم رضایت نمی دهند، چاههای نفتی عراق را با ۵۳۰ سال ذخایر نفتی اش می خواهند.

بقیه در صفحه ۳

برخیز ای داغ لعنت خورده ص ۴

تولد یک اتحادیه در آرژانتین ص ۵

اخبار کارگری از گوشه و کنار روزنامه ها ص ۷

طبقه کارگر ایران در سالی که گذشت

تهاجمی که در طول سال گذشته به حقوق، سطح معیشت طبقه کارگر ایران و خانواده هایشان صورت گرفت، بی سابقه بود.

روند بیکارسازیها که از چند سال پیش شروع شده، ابعاد وسیعتری پیدا کرد. قراردادهای موقت کار تقریباً به تمامی شرکتها و واحدهای تولیدی کشیده شد و امروز شرکتی نیست که کارگران قراردادی و موقت نداشته باشد.

این امر به نوبه خود لطمه سنگینی به یکپارچگی و وحدت طبقاتی طبقه کارگر زد. وحدت و یگانگی کارگران در درون واحدهای تولیدی جای خود را به روابط تبعیض آمیز میان کارگر موقت و قراردادی با کارگر استخدامی داد. در شرکتها، از کارگران پیمانی انسانهای درجه دو ساخت، انسانهایی که از پیش پا افتاده ترین حقوقها در کارگاهها محروم شدند. این تبعیضها، از حقوق و مزایا، بن کارگری، غذای شرکت و استفاده از نهارخوری گرفته تا به سرویسهای رفت و آمد، کشیده شده است، چرا که نه استفاده از سرویس رفت و آمد و نه استفاده از هیچ تسهیلات دیگری در قراردادهای موقت کار گنجانده و به رسمیت شناخته نمی شود.

در سال گذشته دوشقه شدن طبقه کارگر به کارگران قراردادی و استخدامی، در اثر قراردادهای موقت کار و وسعت آن، جای وحدت طبقاتی را در بین کارگران گرفت.

بقیه در ص ۲

نشانی جدید اینترنتی کانون مستقل کارگری

kanonkargari@yahoo.com

<http://kaanoonkar.topcities.com>

طبقه کارگر ایران در سالی که گذشت

بقیه از صفحه ۱

سیاست نپرداختن حقوقها در قبال کار انجام شده که اولیه ترین حقوق به رسمیت شناخته شده در جوامع سرمایه داری است (مزد در مقابل کار) در سال گذشته با شدت بیشتری ادامه پیدا کرد. سرکوب تحقیر آمیز (۱) در مقابل اعتراض به عقب افتادن حقوقها (که در مواردی به بیش از دو سال می رسد)، سیاستی رسمی شد و ابعاد آن گسترش پیدا کرد و چهره اش عریانتر و وحشیانه تر شد. سرکوب وحشیانه کارگران چینی گیلان، کارگران کارخانه های تجارت و پارس فاستون اصفهان و که حتی زنان حامله کارگر نیز از این سرکوبها در امان نماندند، نمونه ای از این سرکوبهای وحشیانه بود. امروز این نوع سرکوبها، تبدیل به سیاست رسمی وبدون اِبا شده است.

دستگیری دسته دسته کارگران معترض و فعالین کارگری نیز ابعاد هولناکی به خود گرفته است، در زندانها بندهایی جداگانه به کارگران اختصاص داده اند و خود کارگران را هم بنا به معیارهایی به دسته های مختلف جدا کرده اند.

در زمینه تعیین حداقل دستمزد کارگران نیز، هیچ یک از معیارهایی که می باید بر مبنای آن این حقوق تعیین شود، مورد توجه قرار نگرفت، نه خط فقر، نه درصد تورم سالیانه و نه حداقل زندگی یک خانواده ۵ نفره. کاریکاتوری از چانه زنی در بالا تشکیل شد و چند نفر برای اصلیتترین حقوق کارگران تصمیم گرفتند و مقدر داشتند که خانواده های آنها در چه میزان از فقر و فلاکت و تنگ دستی دست و پا بزنند، تصمیم گرفتند که چه مقدار کودکان کارگران دچار سوء تغذیه، ترک تحصیل و شوند یا روانه بازار کار. تصمیم گرفتند چه مقدار به کودکان خیابانی اضافه شود، تا چه حد خانواده های کارگری دچار بحران و از هم پاشیدگی شوند.....

در سال گذشته بیکاری، شتری شد که در خانه صدها هزار کارگر شاغل خوابید و از آنها کارگران ارزان، قراردادی و پیمانی ساخت، کارگرانی که باید بین مرگ و یوغ بردگی، یکی را انتخاب کنند.

خارج کردن ۹۰ درصد از هم طبقه ایهایمان از شمول اصلیتترین مواد قانون کار بوسیله شورای عالی کار، تاخت و تاز به طبقه کارگر را در سال گذشته به اوج خود رساند و کارگران ایران را در زمره بی حقوقترین کارگران دنیا قرار داد و از آنها ارزانتترین کارگران را ساخت. کارگران ارزانی که حتی همین حداقل حقوق تعیین شده هم شامل حالشان نمی شود. این تهاجم، کارفرمایان ۹۰ درصد از کارگران را در مقام ولی نعمتان و خدایانی قرار داد که بر تمامی عرصه های زندگی کارگران اقتدار دارند.

در زمینه تشکلات کارگری نیز حرکتی صورت نگرفت. هنوز در خیلی از کارگاههای زیر ۳۵ نفر، کارفرمایان به بهانه های مختلف از ایجاد انجمن صنفی جلوگیری می کنند و کارگران به خاطر از دست ندادن کارشان به آن گردن می نهند. در مواردی هم که کارگران مستقلا دور هم جمع شده اند تا اقدام به ایجاد انجمن صنفی کنند با مانع تراشی وزارت کار روبه رو می شوند، گویی تشکیل انجمن صنفی باید به توصیه این یا آن فرد ذی نفوذ صورت بگیرد یا باید خانه کارگرها یا کانون عالی انجمن های صنفی پشت ثبت این یا آن انجمن باشند. کارگرانی که خواهان حرکتی مستقل از احزاب حکومتی هستند، هنوز در رفت و آمد به وزارت کار برای ثبت انجمن صنفی خود هستند. و در این زمینه اعتراض جدی صورت نمی گیرد.

در عرصه مبارزات توده ای، جدا از هم، اما متعدد، در سال گذشته اعتراضاتی مستقل صورت گرفت که عمدتا خصلت و ماهیت دفاعی و از روی استیصال داشت. خصلت دفاعی مستأصلانه از این جهت که این اعتراضات عمدتا در جهت مقابله با تهاجمات سرمایه به حقوق رسمیت یافته قبلی صورت گرفته است. یعنی این جناح سرمایه بود که اولیه ترین حقوق کارگران را نادیده می گرفت و لگدمال می کرد.

به عنوان نمونه اعتراضات کارگران تجارت و پارس فاستون اصفهان، چینی گیلان و کارگران چیت سازی بهشهر که مهمترین اعتراضات کارگری بودند و به زود خورد و درگیری با نیروهای انتظامی هم کشیده شد، در اعتراض به عدم پرداخت حقوقهای معوقه صورت گرفته بودند. هرچند اعتراض از موضع دفاعی نسبت به کارگرانی که در مقابل

این تضییع حقوقها، دست به اعتراض دفاعی هم نمی زنند، دارای ارزش و اهمیت مبارزاتی طبقاتی است و یک گام به جلو، اما ویژگی های خود را هم دارد که تحلیل جداگانه ای را می طلبد.

سال آینده برای ما کارگران بدتر از امسال خواهد بود اگر نسبت به سرنوشت خود بی تفاوت باشیم.

اگر جناح سرمایه با تمام نهادهای لگد مال کننده حقوق کارگران، سوی دیگر اما خود ما هستیم. سوال این است، ما در جهت دفاع از شان و منزلت انسانی خودمان، در جهت دفاع از حقوق صنفی اقتصادی طبقاتی امان، در جهت دفاع از زندگی کودکانمان چه کرده ایم؟ واقعا چه مقدار در سالی که گذشت تلاش کردیم؟

چگونه است که اولین ماهی که حقوقمان عقب می افتد اعتراض نمی کنیم و این قضیه تا بیش از دو سال به طول می انجامد؟ چگونه است که ۹۰ درصد از کارگران را از شمول اصلی ترین مواد قانون کار خارج می کنند و ما صدایمان در نمی آید؟ از خودمان پرسیده ایم که در جهت تحقق اولیه ترین حقوق کارگری امان چه کار کرده ایم و چه باید بکنیم؟ پرسیده ایم که در جهت رفع سوء تغذیه از کودکان خود، در جهت سعادت و تسامین بهداشت و درمان و تغذیه رایگان برای آنها کدام تلاش را کرده ایم؟ پرسیده ایم که مسنول وجود میلیونها کودک خیابانی و کودکان کار، کیانند یا چه سیاستهایی است؟ پرسیده ایم که چگونه می شود فردی خود را نماینده کارگران بداند و در عین حال یک پای خارج کردن ۹۰ درصد از کارگران از شمول قانون کار و بازگرداندنشان به نظام بردگی باشد و از این کار دفاع کند و آن را «عین عمل کردن به قانون و قانونی» بداند و صدها سوال از این دست.

آری اگر یک پای بدبختی و بی حقوقی ما جناح سرمایه است علت دیگر خودمان و شرایطی است که از ما چنین آدمهایی ساخته است که نسبت به سرنوشت خود و خانواده و هموعان و هم طبقه ایهایمان بی تفاوتیم.

طبیعی است که این وضعیت به ما تحمیل شده است و عوامل مختلف اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی در ساختن چنین فضای هولناکی که از انسان هوشمند، عنصری بیگانه با زندگی خویش می سازد، دخیل است.

غیرطبیعی اما، ماندن در وضعیت موجود است، دیدن بدبختی های خود و هم طبقه ایهایمان و خمیازه کشیدن، افتادن در دایره فساد و تباهی، آنچه که سالهاست چون گردابی ما در خود فرو می برد.

کانون مستقل کارگری

بدبخت ملتی که احتیاج به قهرمان داشته باشد، بدبخت تر ملتی که قهرمانش بوش باشد

بقیه از صفحه ۱

بوش با ادعای صدور دموکراسی و مبارزه با دیکتاتوری و تروریسم به شهرها و مردم عراق حمله کرد، تمام تأسیسات شهری را زیر بمباران تخریب کرد. سؤالی که هر عراقی آگاه به منافع خود باید از خویش می کرد، این بود که آیا می توان با بمب و بمباران دموکراسی صادر کرد؟ آیا می توان آدم کشت و مدعی حقوق انسانها شد؟ آیا می توان با اعمال غیرشرافتمندانه به اهداف شرافتمندانه رسید؟

اگر جنایات صدام که با توجیه ایجاد امنیت و آسایش و سعادت مردم عراق صورت می گرفت، درست بود، توجیهات و ادعای بوش برای بمباران شهرها و مردم در جهت ایجاد دموکراسی نیز درست است! انگیزه این جنگ برای هر انسان آگاه و بی غرض، روشنتر و آشکارتر از این است که در جهت روشن شدنش استدلال کرد.

بزرگترین جنایت صدام، اعمال دیکتاتوری و عقب نگهداشتن مردم عراق بود. صدام جنایتهای زیادی کرد، از زندان و شکنجه و اعدام مخالفین تا کوچاندن کردها از کرکوک و دیگر مناطق نفت خیز و اسکان دادن عربها در این مناطق برای به اصطلاح عربی کردن منطقه و..... اما هیچ جنایتی بزرگتر از جنایت نگهداشتن مردم در جهل و ناآگاهی نیست. امروز اگر دادگاهی برای صدام تشکیل شود اولین و مهمترین کیفرخواست صدام باید همین عقب نگهداشتن مردم عراق باشد. وقتی دیکتاتوری سیاه بر جامعه حاکم می شود، وقتی بیان آزاد عقاید با زندان و اعدام پلسخ می گیرد، وقتی اولیه ترین و پیش پا افتاده ترین حقوق دموکراتیک انسانها به رسمیت شناخته نمی شود و به وحشیانه ترین شکل سرکوب می گردد، جای پای صدور دموکراسی امریکایی با بمبها و راکتها هموار می شود.

۱- تحقیر آمیز از آن جهت که این سرکوبها ناشی از مبارزات تهاجمی و رو به جلو طبقه کارگر و در مقابل پیشروی آنها نیست. این سرکوبها قلدرمایانه است و در جهت لگدمال کردن اولیه ترین و به رسمیت شناخته شده ترین قواعد نظام وحشی سرمایه داریست. این سرکوبها برای جلوگیری از پیشروی طبقه کارگر در جهت کسب حقوق جدید، نیست. سرکوب اعتراضاتی که برای گرفتن ۲ سال حقوق عقب افتاده صورت می گیرد، تأکید بر به فحشا کشاندن و تخریب شان و منزلت انسانی خانواده های کارگری دارد و به بی هویت کردن طبقه کارگر. با این سرکوبها می گویند: ۲ سال کار کرده ای، حقوقت را با گردن کلفتی نمی دهیم، بچه ات از گرسنگی مرد به درک، خانواده ات متلاشی شد که شد، در مقابل کارت، مزد بخواهی سرکوبت می کنیم. این سرکوبها خانواده های کارگری را به سمت فحشا و بزهکاری سوق می دهد، این سرکوبها می خواهد از کارگران، افرادی بی حقوقتر از برده بسازد و از این روست که بار تحقیری آن برجسته تر می شود.

« کارگران بی

تشکل بی حقوق

ترین کارگرانند»

از زمان شروع زمزمه های جنگ از طرف بوش، تظاهراتی باشکوه بر علیه جنگ در تمامی کشورها صورت گرفت، اما نمی توان خلاء حضور مستقل و متحد طبقه کارگر جهانی را نادیده گرفت. فقط در خبرها شنیده شد که کارگران اروپا در اعتراض به جنگ، یک دقیقه دست از کار کشیدند، اما گویا این یک دقیقه به خاطر خالی نبودن عریضه و مورد بازخواست قرارنگرفتن اتحادیه ها از طرف گرایشات رادیکال کارگری اروپا صورت گرفته بود نه برای ایفای نقش مؤثر و تاریخی.

خلأ اعتراض متحد و مستقل طبقه کارگر بر علیه هر دو جنایتکار ضد بشر، اعتراض به جهان گشایی و قشون کشی بوش در جهت اضافه کردن به سود و سرمایه تراستها و کارتلهاز یک سو و اعتراض به سیاستهای صدام مبنی بر قتل و غارت، سرکوب و تحقیر مردم عراق از سوی دیگر، همچنین خواست توقف سیاستهای جنگ طلبانه و تأکید بر انتخابات آزاد مردم در جهت تعیین سرنوشتشان.

کدام نیرو، کدام قدرت، می تواند در مقابل یک روز اعتصاب سراسری طبقه کارگر (که می تواند هفته ها و ... ادامه پیدا کند) مقاومت کند؟

حضور یکپارچه و گسترده طبقه کارگر می توانست و می تواند هر غیر ممکن را ممکن سازد و گوش هر دیکتاتوری را بتاباند.

تصور یک هفته از کار افتادن تمامی چرخهای زندگی برای سردمداران قدرت، امکان پذیر نیست، یک هفته اعتصابی که از کارگران اسلحه سازی گرفته تا کارگران داروسازی، از کارگران خدماتی برق و آب و تلفن و شهرداری و وسایل نقلیه گرفته تا کارگران صنایع و معادن و نفت، همه و همه در آن شرکت می کردند.

امروز اما کارگران در سطح بین المللی در چنین موقعیتی قرار ندارند. علت و عوامل آن وسیع و گسترده است و بحث دیگری می طلبد اما به هر حال خلأحضور یکپارچه و متحد طبقه کارگر جهانی، سؤالی است که باید مقابل هر کارگر شریفی که به زندگی انسانها می اندیشد قرار بگیرد.

امروز رژیم ضد مردمی و ضد دموکراتیک صدام رفت و رژیم ضد مردمی و ضددموکراتیک دیگری جای آن را گرفت (یادمان نرود که به مردم

امریکا برای تظاهرات ضد جنگ و ضد سیاستهای بوش مجوز نمی دادند، وقتی هم تظاهرات، به اصطلاح، غیر قانونی صورت می گرفت، پلیس به سرکوب آن می پرداخت) سرمایه های بزرگ امریکا به سرکردگی بوش در عراق، بایک تیر، دو نشان زدند، از یک سو چاههای نفتی را به تملک خود درآوردند که ۵۳۰ سال ذخایر نفتی دارند و پول حاصل از فروش چاههای نفت را دوباره به عنوان بازسازی عراق به جیب کمپانی ها و شرکت های امریکایی سرازیر کردند، از طرف دیگر بر بستر فقر آگاهی مردم، خود را ناجی مردم جا زده از «بوش» «رامبوی قهرمان» ساختند.

در چنین شرایطی، کارگران عراقی، دنیایی از کار در پیش رو دارند. امروز گروه های مختلف سعی در طرح خواسته های خود دارند، کارگران نیز باید صف مستقل خود را تشکیل دهند. باید نشان بدهند که مردم عراق فقط از طریق مذهب و ملیت و غیره نیست که تقسیم بندی می شوند، از نظر طبقاتی نیز متفاوتند و خواسته های خاص خود را دارند. ایجاد تشکلات مستقل و طرح خواسته های مستقل اولین قدم برای کارگران عراق است.

اردیبهشت ۱۳۸۲

نزند، تاخیر نداشته باشد، در عین حال در کارش سرعت را سرلوحه کار خود قرار دهد. مبلغی (ناچیز) به عنوان پاداش به کارگر تعلق می گیرد.

البته مواردی از قبیل خسرچیین و گزارش علیه دیگر کارگران و از این قبیل در جدول ذکر نشده بود. اما مدیران شرکت به طور شفاهی از بعضی از کارگرانی که تمایل به این کار نشان داده اند، چنین تقاضایی کرده اند.

اکنون پس از گذشت ۱۹ سال از تاسیس شرکت، آیین نامه هایی به مراتب سخت تر نسبت به سالهای گذشته وضع گردیده. اگر يك کارگر هنگام صبح تاخیر داشته باشد در ازای ده دقیقه تاخیر، بیست دقیقه از ساعت کارکرد ماهانه کم میکنند.

در ازای غیبت موجه یا غیر موجه روزانه دو برابر از پرسنل کم میگردند. در سالهای قبل پاداش، ماهیانه پرداخت میگردید. ولی اکنون هر شش ماه یکبار صورت می گیرد. اگر کارگری در این مورد اعتراضی داشته باشد مدیریت سعی میکند که او را به دفتر فراخواند و با او صحبت کند و آخر کار بطور مخفیانه مبلغی به او پرداخت کند.

برخیز ای داغ لعنت خورده

رقابت را به اتحاد، تبعیض را به برابری، توهم را به آگاهی، سکوت را به فریاد اعتراض، بیگانگی را به شناخت و بی تفاوتی را به حساسیت، دگرگونه سازیم.

اول ماه مه یازده اردیبهشت را به مارش آگاهی، اتحاد و حرکت مستقل تبدیل کنیم و سرآغاز مبارزه و تلاش در جهت خواسته های زیر قرار دهیم.

۱- لغو ممنوعیت فعالیت کارگران در جهت تحقق یافتن حقوق سندیکایی خود، بر مبنای اصول اعلامیه حقوق جهانی سندیکایی و مقاله نامه های سازمان بین المللی کار.

۲- لغو ممنوعیت در به ثبت رساندن اساسنامه های پیشنهادهای مستقل کارگران در ایجاد انجمن های صنفی بر بستر منافع صنفی و اقتصادی خود کارگران.

۳- تأمین آزادی تظاهرات و اجتماعات و متوقف کردن سرکوب حرکت های کارگری.

۴- افزایش دستمزد متناسب با نرخ تورم و گذران زندگی انسانی خانواده های کارگری.

۵- متوقف کردن سریع بیکار سازیها و جلوگیری از اخراج نمایندگان مستقل و فعالین کارگری.

۶- آزادی تمامی کارگران زندانی و بازگشت به کار آنان.

۷- پرداخت بی چون و چرای حقوق های معوقه.

۸- لغو مصوبه معافیت کارگاه های قالی بافی و کارگاه های زیر ۵ نفر از شمول قانون کار و لغو مصوبه خروج کارگران کارگاه های زیر ۱۰ نفر از ۳۷ ماده قانون کار.

۹- برابری حقوق مرد و زن و رفع هر نوع تبعیض جنسی در کارگاهها.

۱۰- ایجاد امنیت شغلی و لغو فوری قراردادهای موقت کار و استخدام دائم کارگران قراردادی و پیمانی.

۱۱- کار برای هر فرد آماده به کار و تأمین حداقل زندگی برای آماده به کاران بیکار.

۱۲- ممنوعیت کار کودکان و تأمین تحصیل، تغذیه و بهداشت رایگان برای تمامی کودکان.

۱۳- ضمن حمایت از کارگران مهاجر، تأمین امنیت اجتماعی و اشتغال برای آنان و بهبود وضعیت زندگی این کارگران.

این خواسته ها به مثابه اولین قدم در راه مبارزه با فساد، تباهی و بی حقوقی هاست.

برای اولین قدم به پیش. کانون مستقل کارگری
۱۱ اردیبهشت ۱۳۸۲

گزارشی از کارخانه ما

بقیه از صفحه ۱

هیچگونه کمکهای نقدی و غیرنقدی به پرسنل پرداخت نمیگردد. مسئله پرداخت افزایش تولید که کارگران بارها در جلسه های مختلف چه با حضور مدیر عامل و چه بدون حضور او عنوان کرده اند با جواب منفی روبرو شده است. همیشه در پاسخ به خواسته های کارگران می گویند: شرکتهای دیگر کار ندارند، شرکتهای دیگر هر سه ماه یا چهار ماه یکبار حقوق پرداخت میکنند. اوضاع کشور بحرانی است، دولت از کارفرمایان حمایت نمیکند و.....

بالاخره در اثر پافشاری کارگران مبنی بر پرداخت افزایش تولید، هیئت مدیره شرکت تصمیم گرفت مبلغی به عنوان پاداش برای پرسنل در نظر بگیرد. براین مبنای جدولی را تنظیم کردند که هر کارگری که کار خوب انجام دهد، غیبت نداشته باشد، هنگام کار با هیچکس حرف

تولد یک اتحادیه در آرژانتین (۱)

(رابین هود سواره) (۱)

نوشته: گابی وبر -

ترجمه: جعفر پوراسد

در تظاهرات اغلب زخمی ها را از میان جمعیت بیرون می آورند با پلیس بازی موش و گربه دارند و سعی می کنند علیه شرایط غیر قابل توصیف کارشان، اقدامی انجام دهند "موتوکورس" ها (Motoqueros) (۲) یک اتحادیه جدید تشکیل داده اند

در نیش خیابان ونزویلا و پیدارس، پنج موتورسیکلت هوندا و سوزوکی و در کنار آنها پنج مرد جوان با کلاه های حفاظتی بر پشت، شلوار جین، تی شرت و کفش ورزشی، ایستاده اند. آنها هسته اصلی SIMECA "اتحادیه مستقل نامه رسانان و پیک های سواره" هستند. جوان ها عجله ندارند. ساعت ۷ قرار ملاقات دارند، اما درها بسته و کرکره ها پائین اند. ساعت ۷/۳۰ شده و لی در دفتر H.I.J.O.S چیزی مشاهده نمی شود. این حروف مخفف اسم اتحادیه "کودکان برای هویت و عدالت، علیه فراموشی و سکوت" می باشد (اتحادیه یاری رسانی به کسانی که بستگانشان در دوره ی حکومت دیکتاتوری نظامی گم شده و دیگر پیدا نشده اند). در این دفتر در بوننوس آیرس، "موتوکورس" ها هفته ای یک بار دور هم جمع می شوند.

مورگا ۲۶ ساله می گوید: «ما دنبال دفتری برای خودمان نیستیم»، «ما بدون بوروکراسی و "کادر رسمی" (Funktioner) عمل می کنیم». مورگا خوشحال است که تنها به تلفنچی حقوق کمی باید پردازند که پیام ها را هم آهنگ کند. «همه ما برای اتحادیه کار می کنیم، کسی به خرج اتحادیه زندگی نمی کند». "موتوکورس" ها به دور از بوروکراسی و فساد اداری گسترده در آرژانتین، راههای جدیدی را جستجو می کنند.

- چرا شما لباس حفاظتی نمی پوشید؟

ماکسی با موهای بلند و ریش سه روزه می گوید: «لباس چرمی خیلی گرم و خیلی گران است»

- و جریمه نداشتن کلاه حفاظتی؟
- «با ۵ پزو رشوه به سبزه ها (۴) مشکل حل می شود».

ماکسی می گوید: «بعد از هر تظاهرات و درگیری، پلیس ها در پارکینگ ها و جلوی مؤسسات در کمین ما می نشینند. آنها خشمشان را به سر ما خالی می کنند، بعد به بهانه های پوچ، برگ های جریمه بر ایمان می نویسند. اوراق ما را کنترل می کنند و ساعت های طولانی ما را مودیانۀ کلافه می کنند».

جوانان سرحال و محبوب اتحادیه

از زمان تأسیس اتحادیه، از چهار سال پیش تا کنون، مناسبات با پلیس حساس شده است. از نظر پلیس این جوان ها سرکش و لجوج هستند. در ۲۰ دسامبر ۲۰۰۱ طی یک جنیش توده ای وسیع فرناندو دلاروا رهبر حزب رادیکال در حکومت از کار برکنار شد. پلیس با تیراندازی و گاز اشک آور به تظاهرکنندگان حمله کرد و آنها را به سختی مورد ضرب و شتم قرار داد. "موتوکورس" ها سوار بر موتورها و دوچرخه های خود در میان صفوف پلیس و تظاهرکنندگان ویراژ داده و برای مقابله با گاز اشک آور، لیمو پخش می کردند و مجروحین را در پشت موتور سوار کرده و به بیمارستان ها می رساندند. یکی از آنان به نام گاستون ریوا توسط پلیس کشته شد. از آن زمان آرژانتینی ها با خرسندی می بینند که "رابین هود" هایشان، این جوانانی که از میان مردم برخاسته اند، بوروکرات های اتاق های در بسته، "سیاستمدار" و یا "کادر" نیستند.

ماکسی با نگرانی آشکاری می گوید: «پلیس از ما بیشتر متنفر است تا ما از آنها». او و دوستانش می خواهند برای خود تشکیلات یک اتحادیه را بنا کنند، نه این که نیرویشان را در مقابله و درگیری های روزانه با اونیفورم پوش ها از دست بدهند. بدون آن هم کارشان به اندازه کافی سخت است. تقریباً هیچ یک از "موتوکورس" ها یک قرارداد کار ثابتی ندارد، حتا در آژانس های بزرگ حمل و نقل. به همین دلیل آنها به

راحتی در اتحادیه های رسمی جا نمی گیرند. اتحادیه CGT

بعد از جنگ دوم جهانی، در زمان ریاست جمهوری خوان دومینگو پرون، بسیار قوی بود. کارگران صنعتی نفوذ بسیار داشتند و در کارهای اجتماعی از بیمه برخوردار بودند. امروز آن اتحادیه دیگر از قدرت چندانی برخوردار نیست. (چون در مستن توضیحی برای "فوردیستی" نبود و توضیح ما طولانی خواهد شد، آن را به این صورت تغییر دادیم) قراردادهای کار درست و حسابی جزو استثناء هاست، این امر در سال های اخیر به طور روزافزونی متداول شده است.

"موتوکورس" ها چیزی مثل گوشت و خون برای یک تجدید بنای اجتماعی هستند. قبلاً مؤسسات و ادارات "کادت" های (پادوهای همه کاره) خودشان را داشتند که خدمات زیادی انجام می دادند. امروز این کار ارزان تر شده، آنها حالا دیگر این نوع کارها را به آژانس هایی سفارش می دهند که توسط پادوهایشان انجام دهند و به این ترتیب حق بیمه، پول بیماری و در دسرهای دستمزد را صرفه جویی می کنند.

در سراسر کشور، SIMECA اولین اتحادیه ای بود که کارگران شاغل ظاهراً مستقل را سازماندهی کرد. سپس اتحادیه های موجود هم سعی کردند این گروه های شغلی را نیز تحت پوشش خود در آورند. امروزه در آرژانتین ۶۰ هزار پیک و نامه رسان کار می کنند که نامه ها و مدارک را دریافت و توزیع می کنند و کارهای ادارات را انجام می دهند و یا اجناس را حمل و نقل می کنند.

SIMECA پیش از همه در بوننوس آیرس فعال است. هنوز معلوم نیست چه تعداد عضو دارند، اما هسته اصلی از تعداد زیادی فعالین تشکیل شده است و در حرکت های اعتراضی تا هزاران نفر می آیند.

موتورسیکلت ها مال خود "موتوکورس" هاست. تعمیرات و بنزین را باید خودشان تأمین کنند. کارفرماها بر این نظرند که موتوکورس ها خود، خودشان را بیمه می کنند. البته کسی در این موقعیت نیست که بتواند حق بیمه، مالیات و مبلغی جزئی برای بازنشستگی بپردازد.

ماکسی حساب می کند: یک "موتوکورس" به طور متوسط در ماه

۶۰۰ پزو ناخالص، تقریباً ۱۷۱ یورو (حدود ۱۳۵۰۰ تومان) درآمد دارد. حدود ۵۶ یورو از آن را بابت هزینه های شغلی از قبیل بنزین، تعمیرات، تلفن دستی و عوارض جاده ای باید بپردازد، باقی می ماند ۱۱۵ یورو. که این خیلی کمتر از آن است تا بتوان ۳۰ یورو از آن را هم بابت بیمه و مالیات کسر کرد. تازه آدم از آن هم چیزی گیرش نمی آید. سیاستمداران فاسد و کارمندان نالایق مالیات ها را به باد می دهند و یا قرض های خارجی را می پردازند. خدمات اجتماعی دولتی مثل مدارس، بیمارستان ها، حتی پلیس و دادگستری از بین رفته اند. آموزش و بهداشت، از امکاناتی است که فقط ثروتمندان از آنها بهره مندند. صندوق بازنشستگی دولتی، سالهاست که ورشکست شده است. سالمندان بدون توجه به این که چه مقدار حق بیمه پرداخت کرده اند، اکثراً چیزی بیش از ۱۵۰ پزو تقریباً ۴۳ یورو در ماه دریافت نمی کنند.

"موتوکورس" ها اغلب آنیفورم آژانس شان را می پوشند و ساعات کار معینی ندارند. و هرگز در استخدام ثابت نیستند. بعضی ها بر حسب هر مأموریت مزد دریافت می کنند، ۵۰ درصد از پرداختی مشتری به آنها تعلق می گیرد. نرخ یک راه به فرودگاه ازیزا (Ezeiza) ۱۸ پزو است که ۹ پزو به "موتوکورس" می رسد که از آن ۲ پزو بابت بنزین و عوارض جاده ای کسر می شود. بعضی ها مبلغی ثابت به اضافه ۱ درصدی از کل درآمد می گیرند. قاعده ای ثابتی وجود ندارد، هر کارفرمایی خودش قواعد را تعیین می کند.

بی کاری گشوده است. در صورت بیماری، "موتوکورس" باید پول دکتر را خودش بپردازد، در حالی که در این موقع او درآمدی ندارد. برای او چیزی به اسم "حق هزینه ای مرخصی" قائل نیستند و اگر یکی از آنها در تصادف خیابانی بمیرد، معلوم نیست بیوه و بچه هایش چگونه باید زندگی را بگذرانند. SIMeCA به تازگی برای یک تظاهرات اعتراضی عظیم در جلوی یکی از آژانس ها به دلیل اینکه یکی از موتوکورس ها در حین انجام کار جان سپرده بود، فراخوان داد. صدها نفر آمدند. بعد از این حرکت اعتراضی بود که کارفرما حاضر شد برای رضایت

بازماندگان او مبلغ کمی بابت خسارت بپردازد.

در خواست اصلی "موتوکورس" ها قرارداد کار مشخص است. اما این برنامه آینده است. درخواست های آنها بر روی سایت اینترنتی به آدرس: www.simeca.org.ar عبارتند از: حذف عوارض جاده ای از اتوبان های دولتی برای آنها، تأمین تلفن دستی و بیمه عمر توسط کارفرما.

موتوکورس ها در حال حاضر مشغول احداث تعمیرگاهی برای خودشان هستند. در خارج از کشور می خواهند برای تهیه یک نهارخوری پول جمع کنند که در آن نه تنها "موتوکورس" ها، بلکه کودکان خیابانی نیز بتوانند نهار بخورند. حالا دیگر سایر اتحادیه ها، "موتوکورس" های محبوب را با رغبت به صفوفشان می پذیرند، اما بیشتر برای این که بر بحران مشروعیت خودشان غلبه کنند!

مورگا تعریف می کرد که چندی پیش سرو کله ی یک "Gordo"، نماینده ی اتحادیه ای با عینک آفتابی و کیف دستی به طور غیر منتظره در دفتر H.I.J.O.S. پیدا شد. او نه خودش را به نام معرفی کرد و نه اعلام کرد از طرف چه کسی صحبت می کند. او تنها تأکید می کرد که انسانها باید با هم کار بکنند تا طبقه کارگرتضعیف نشود. او از احداث یک بیمارستان متعلق به اتحادیه که تخت هایش مجانی باشد هم صحبت کرد. مورگا با تردید اضافه کرد: «پیشنهاد مشخصی نکرد. شاید هم او فقط یک مأمور امنیتی بود.»

"CTA" هم در سال ۱۹۹۱ با گوشه ی چشمی به "موتوکورس" ها به عنوان بدیلی در برابر "CGT" پرونیست های دست راستی قرار گرفت. "CTA" می خواهد بیکاران و شاغلین ظاهراً مستقل را نمایندگی کند. اما تا کنون بیش از همه کارکنان خدمات عمومی را سازماندهی کرده است. رهبر آنها ویکتور د گنارو از ناحیه ی سوسیال مسیحی می آید. تروتسکیست ها هم در این اتحادیه راه یافته اند. اما "موتوکورس" ها از اتحادیه های بزرگ پرهیز می کنند. هیچ یک از این اتحادیه ها تا کنون نتوانسته اند از نظر ساختاری شکل اساسی تازه ای ارائه دهند.

مورگا می گوید: «ما اجتماعاتی را سازماندهی می کنیم و در آنها توضیح

می دهیم که علیه چه و برای چه باید مبارزه کنیم. آن وقت شروع به مبارزه می کنیم و کسی عقب نمی نشیند. ما پشت سر همکارانمان ساخت و پاخت نمی کنیم» رهبران "CTA" بخشی از نظرات مورگا را به این شکل تحریف می کنند که: «نیرویمان را صرف این کنیم که در تلویزیون ظاهر شویم بهتر از آن است که مبارزه در خیابان ها راه بیاندازیم!»

"CTA" دچار "فساد سیاسی" است. گروه های متعصب آنها فعالانه "نقشه های" حکومت را تبلیغ می کنند. "نقشه ها" نوعی از برنامه های کمک های اجتماعی هستند به میزان ۱۵۰ پزو (۴۳ یورو) که توسط ادارات تأمین اجتماعی و سازمان های سیاسی گوناگون پرداخت خواهند شد. بسته به اوضاع سیاسی و شرایط مساعد، اپوزیسیون اجازه دارد گاهی بیشتر و گاهی کمتر از این "نقشه ها" بین افرادش پخش کند. اما کسی که فریب این "نقشه ها" را نمی خورد، بهترین کارش این است که در هیچ تظاهراتی غایب نباشد.

صاحبان آژانس های بزرگ، خیلی ساده کارکنانشان را در اتحادیه "CGT" ثبت نام کرده اند بدون این که سنوال کنند آیا آنها می خواهند به SIMeCA، (که اعضایش در اتحادیه خودشان برای امور اجتماعی بیمه می شوند) بپیوندند. برای اکثر مردم داشتن یک بیمه شخصی غیر ممکن است. تا کنون "موتوکورس" ها و خانواده هایشان تنها می توانند از بیمارستان های عمومی استفاده کنند که در آنجا باید ساعت ها در صف بایستند و باید بخشی از هزینه ها را هم خودشان بپردازند. مورگا دلخوش است و می گوید که «پدر زخم دکتر است، او مرا مجانی معالجه می کند، اما همکاران من هیچ امیدی ندارند.»

- ۱- این گزارش از نشریه «publik» (مردم) ماهنامه اتحادیه سراسری کارکنان خدماتی آلمان Ver.di شماره ۴ آوریل ۲۰۰۳ ترجمه شده است. تیتیر گزارش از ماست.
- ۲- تیتیر اصلی گزارش
- ۳- نامه رسانهای موتور سوار شرکتیهای پستی خصوصی.
- ۴- پاسبانهای سبزپوش آرژانتینی

اخبار کارگری از گوشه و کنار روزنامه ها

خبرگزاری کار ایران روز چهارشنبه خبر داد: تعدادی از کارکنان صدا و سیما در اعتراض به پایین بودن حقوقشان در مقابل مسجد بلال این سازمان اعتراضاتی داشته اند. این تحصن از دو روز پیش آغاز شده است. به گفته یک مسئول در اداره مطبوعات سازمان صدا و سیما این تحصن مربوط به کارکنان سیمچوب است و اطلاعات مربوط به آن در حال جمع آوری است. (۲ فروردین)

انتقال کارگاه سیمچوب به فشافویه باعث از بین رفتن امنیت شغلی و بیکاری ۴۰۰ نفر از پرسنل این شرکت خواهد شد. به گزارش ایسنا بیش از ۵۰ نفر از کارگران شرکت سیمچوب وابسته به صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران در اعتراض به انتقال کارگاه شرکت سیمچوب از شهرک سینمایی غزالی واقع در جاده مخصوص کرج به منطقه فشافویه در جاده قم و همچنین برخورد های نامناسب مدیریت این شرکت در رسیدگی نشدن به خواسته های صنفی اشان صبح امروز در مقابل مسجد بلال سازمان صدا و سیما تجمع کردند و خواستار رسیدگی مسئولان صدا و سیما برای رفع مشکلات خود شدند. تجمع کنندگان گفتند: اگر کارفرما در کارخانه را به روی کارگران نمی بست و مانع از خروج آنان نمی شد، همه کارگران در این تجمع شرکت می کردند. آنها اعلام کردند اگر امروز به مشکل آنها رسیدگی نشود، فردا به همراه خانواده هایشان دست به تجمعی دوباره در همین محل خواهند زد. کارگران معترض که اغلب در اطراف شهرک غزالی ساکن هستند اعلام کردند که مشکل حمل و نقل روزانه کارگران از جاده کرج به جاده قم باعث صرف هزینه، هدر رفتن وقت و ایجاد مشکلاتی از جمله اضطراب برای خانواده هایشان و همچنین از بین رفتن امنیت شغلی برای کارگران خواهد شد. یکی از کارگران معترض گفت: ۲۸ اسفند سال ۸۱ در آخرین روز کاری سال، شرکت با نصب اعلامیه ای اعلام کرد که از ۵ فروردین ماه کارگران باید در محل جدید شرکت واقع در منطقه فشافویه شهرک آفتاب ۲

حاضر شوند. در صورتی که مطابق آیین نامه ها و قراردادهای کار و تأمین اجتماعی انتقال محل کارگاه به محل دیگر باید با هماهنگی و رضایت کارگران صورت گیرد. افزود: ما به هیچ وجه راضی به این انتقال نیستیم، چون برابر تأیید وزارت کار، محل جدید خارج از محدوده تهران است و لسی در حال حاضر مدیریت شرکت هیچ توجهی به خواسته کارگران خود ندارد و تهدید کرده است که در صورت حاضر نشدن کارگران در کارگاه جدید با پرداخت یک ماه سنوات حقوق ما را باز خرید خواهد کرد. این کارگر به نمایندگی از طرف تجمع کنندگان با اشاره به شرایط سخت کار و کم توجهی مدیران سیمچوب نسبت به پرداخت حقوق و پاداش، خاطر نشان کرد: در حالی که بهترین استادکاران و کارگران نجار در این شرکت مشغول فعالیت هستند، شرکت کارهای خود را به پیمانکاران واگذار می کند. معترضان واگذاری کار به پیمانکاران خارج از کارگاه سیمچوب و همچنین انتقال کارگاه به محل جدید را به دلیل «زدویند» و «منافع شخصی و گروهی» دانستند. (۱۷ فروردین)

جمعی از کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر در اعتراض به بلاتکلیفی و عدم پرداخت حقوق و مزایا ۲۴ ماه گذشته در مقابل فرمانداری این شهر اجتماع کردند. این کارگران که به علت ضعف ادواری، نبود مواد اولیه و عدم نقدینگی در ۳ سال اخیر در چیت سازی بهشهر در بیکاری و بلاتکلیفی به سر می بردند، خواستار پاسخگویی مسئولان به مشکلات خود شدند. عده ای از کارگران با اشاره به عدم پرداخت حقوق، عیدی و پاداش چند سال اخیر گفتند: مسئولین دولتی به دلیل خصوصی بودن مدیریت کارخانه، از حل مشکلات موجود طفره می روند. و این در حالی است که سهامداران نیز با بی اعتنایی به وضعیت کارگران، هیچ اقدام عملی در جهت حل مشکلات پیش آمده صورت نمی دهند. گفتنی است دو هزار کارگر شاغل در چیت سازی بهشهر طی چند سال اخیر با مشکلات عدیده اقتصادی و معیشتی مواجهند و به علت عدم فعالیت کارخانه در بلاتکلیفی به سر می برند. (۱۸ فروردین)

۳۰ نفر از کارگران کشتارگاه صنعتی ایلام اخراج شدند. کارگران اخراجی روز دوشنبه در اعتراض به این اقدام در محل کشتارگاه ایلام تحصن کردند. آنها این تصمیم مدیریت کشتارگاه را غیر قانونی عنوان کردند و گفتند: اکثر کارگران سالیان مدیدی است که در این محل انجام وظیفه کرده اند و در این شرایط اخراج آنها موجب بلاتکلیفی خانواده هایشان می شود. کارگران اخراجی تهدید کردند تا روشن نشدن تکلیف آنها و بازگشت دوباره به سرکار هایشان به تحصن خود ادامه می دهند. (۱۹ فروردین)

به گزارش خبرنگار کیهان کارگران بلاتکلیف و بیکار شده چیت سازی بهشهر در دومین روز اعتراض جمعی خود به عدم اقدام مسئولان در رفع مشکلات این کارخانه، اوضاع این شهر را متشنج کردند. این کارگران پس از آنکه پاسخی از سوی فرماندار و سایر مسئولان ذی ربط در روز گذشته دریافت نکردند، صبح امروز با ایجاد ترافیک سنگین در سطح شهر مانع از حرکت وسایط نقلیه در مسیر بلوار شهید هاشمی نژاد بهشهر شدند. کارگران خشمگین چیت سازی بهشهر در ادامه حرکت اعتراضی خود با اجتماع در مقابل دفتر نماینده مردم این شهر در مجلس شورای اسلامی که دبیری مجمع نمایندگان این استان را نیز به عهده دارد و سردادن شعارهای فراوان در بازپس گیری رأی خود، تابلوی این دفتر را به زیر کشیدند. کارگران معترض آنگاه با انجام راهپیمایی اعتراض آمیز تا مسیر کارخانه چیت سازی خواستار احقاق حقوق از دست رفته خود و راه اندازی مجدد کارخانه شدند. (۱۹ فروردین)

حدود ۳۰۰ نفر از پرسنل پالایشگاه گاز پارس جنوبی در بندر عسلویه در اعتراض به سیستم کار اقماری دو به یک و بی توجهی مدیریت شرکت ملی گاز و نفت به خواسته هایشان روز جمعه دست به اعتصاب زدند. به گزارش ایسنا گفته می شود همه کارکنان این بخش (۸۰۰ نفر) به شرایط موجود اعتراض دارند اما صیانت از تولید و جلوگیری از توقف آن، باعث شده است که ۳۰۰ نفر به نمایندگی از طرف بقیه در تجمع

حضور یابند. یکی از کارگران در گفتگو با ایسنا گفت: با تمام تلاشی که تاکنون انجام داده ایم تنها موفق شدیم سیستم کار اقماری را که در ابتدا شش به یک بود به دو به یک کاهش دهیم. این در حالی است که در تمام دنیا کار اقماری یک به یک است. وی افزود: در پیگیری موضوع با مسئولان عالی رتبه کشور ارتباط برقرار کردیم و نتیجه این شد که مدیریت شرکت قول داد با پایان فصل زمستان نسبت به خواسته ما اقدام کند ولی تاکنون هیچ توجهی به خواسته ما نشده است. با این وضعیت در حق ۸۰۰ نفر از کارکنان پلایشگاه اجحاف می شود زیرا اسکانشان خلاف میل آنهاست. (۲۴ فروردین)

در پی اعلام تعطیلی کارخانه نخریسی مشهد، کارگران این واحد تولیدی در بلاتکلیفی و سرگردانی به سر می برند. این کارخانه با قدمت ۷۰ ساله که از مجهزترین و با سابقه ترین واحدهای صنعت نساجی کشور وابسته به آستان قدس رضوی است با اخراج بخشی از کارگران از ماهها پیش و اکنون با تعطیلی کارخانه، ۴۰۰ کارگر با سابقه آن نیز در سرگردانی به سر می برند. ارغند مدیر عامل کارخانه نخریسی مشهد گفت: کارخانه تعطیل نیست و همچنین اخبار مربوط به اخراج کارگران را رد کرد و گفت: گروهی از کارگران قراردادی را لغو قرارداد کرده ایم. گفته می شود که بحث انتقال کارخانه نخریسی از مشهد به نیشابور مطرح و اقداماتی نیز تاکنون صورت گرفته است اما برای جذب نیروها تاکنون تصمیمی اتخاذ نشده است و این مسئله نگرانی کارگران را باعث گردیده و تعطیلی کارخانه نیز باعث بلاتکلیفی و سرگردانی آنها شده است. (۲۴ فروردین)

حدود ۸۰ تن از بیکاران روز جمعه بین ساعت ۱۱ تا شروع نماز جمعه در مقابل حوزه علمیه و مصلاهی نماز جمعه شهرستان سرخس اجتماع آرام داشتند. به گزارش ایسنا این دومین تجمع آرام بیکاران در سرخس طی هفته گذشته است. روز دوشنبه گذشته ساعت ۷ بعد از ظهر نیز عده ای از بیکاران با تجمع در مقابل فرمانداری سرخس خواستار اشتغال شدند. (۲۴ فروردین)

۳ کارگر مشغول لایروبی قناتهای منطقه بادروبه بودند بر اثر پارگی طناب پوسیده از فاصله ۲۰ متری به ته چاهی به عمق ۳۵ متر سقوط کردند. در این حادثه یکی از کارگران دچار شکستگی در ناحیه پا شد و دو کارگر دیگر در ناحیه سر و سینه دچار جراحات سطحی شدند. (۲۵ فروردین)

کارگر ۲۱ ساله ای به نام عبدالباقر پوردل به هنگام تخریب یک ساختمان قدیمی در خیابان رضوان شرقی واقع در نارمک بر اثر ریزش دیوار ساختمان زیر آوار جان باخت. (۲۷ فروردین)

به گزارش خبرنگار بازتاب حدود ۱۰ هزار نفر از کارگران بهشهری دیروز در بلوار شهید هاشمی نژاد بهشهر تظاهرات و در مقابل پارک ملت این شهر تجمع کردند. علت تجمع کارگران نارضایتی از وضع زندگی بود. معترضان که بسیاری از آنان کارگران کارخانه چیت سازی بودند خواهان پرداخت حقوق معوقه خود بودند. این تجمع اعتراض آمیز در پی دخالت نیروی انتظامی به تشنج و درگیریهای شدیدی انجامید. به گونه ای که نیروی انتظامی در پی شکسته شدن تابلوها و شیشه ها از گاز اشک آور استفاده کردند. آخرین گزارشها حاکی است هنوز اوضاع بهشهر آرام نشده است. (۲۹ فروردین)

کارگران کارخانه کفش شادانپور حدود یک سال است که حقوق دریافت نکرده اند. حسن صادقی رئیس کانون شوراهای اسلامی کار به خبرنگار خبرگزاری کار ایران «ایلنا» گفت: به دنبال اعتراض روز گذشته کارگران کارخانه شادانپور، بر اساس رأی دادگاه، سنوات آنها به شکل سالی سه ماه پرداخت می شود. صادقی با اشاره به رأی فروش کارخانه برای حل مشکل کارگران افزود: قسمتی از کارخانه بابت بدهی به بانک تعلق دارد و آن قسمتی که در اختیار کارفرماست فروخته خواهد شد. وی روند پیگیری مسئله را توسط دادگاه کند توصیف کرد و گفت: متأسفانه تمایلی از سوی کارفرما برای فیصله دادن موضوع احساس نمی کنیم

و رسیدگی آن را به روزهای آینده موکول می کنند. صادقی تصریح کرد: بهتر است دستگاههای مسنول زمین کارخانه را به صورت مزایده به هر کسی که قیمت مناسبی پیشنهاد می دهد بفروشند و حقوق کارگران را سریعتر پرداخت کنند تا موضوع حادثه نشود. وی گفت: در حال حاضر کارگران تحت پوشش بیمه بیکاری هستند که در سال جاری به پایان می رسد و کارگران دیگر هیچ منبعی برای تأمین زندگی ایشان نخواهند داشت. بنابه گزارش خبرنگاری ایلنا بالغ بر ۴۸۰ نفر از کارگران کارخانه کفش شادانپور حدود یکسال است که حقوقی دریافت نکرده اند. (۳۱ فروردین)

بنابه گزارش خبرنگاری ایلنا، کارگران کارخانه صنعتی نقش جهان قزوین به دلیل عدم پرداخت حقوق توسط کارفرما در برابر مؤسسه آموزش عالی کار تجمع کردند. تنی چند از کارگران این کارخانه در گفتگو با خبرنگار ایلنا گفتند: طی شش ماه اخیر هیچگونه حقوق و مزایایی از کارفرما دریافت نکرده اند. این تجمع با مذاکره نماینده کارگران با مسئولین مؤسسه پایان یافت. (۳۱ فروردین)

با پایان یافتن مهلت ۴۸ ساعته کارگران کارخانه چیت سازی بهشهر به مسنولان محلی، روز دوشنبه این شهر بار دیگر شاهد اعتراضات گسترده کارگران و فضایی ملتهب بود. به گزارش خبرنگار رویدادروز دوشنبه کارگران سازماندهی اعتراضات خود را به وسیله سوت کارخانه انجام دادند. با سوت اول کارگران جمع شدند، سوت دوم که به منزله اخطار به مسنولان بود، آمادگی آنها را برای حرکت اعلام کرد و با سوت سومامواج کارگران به سمت شهر راه افتادند و با تعطیل کردن بازار و پیوستن مردم به آنها، بهشهر بار دیگر چهره ای ناآرام به خود گرفت. یکی از نمایندگان کارگران در جریان اعتراضات روز دوشنبه به خبرنگاری کار ایلنا گفت: خواست ما مشخص است، ما مطالبات یکساله گذشته خود را می خواهیم. (۱ اردیبهشت)